

## امضای قرارداد امنیتی یا ادامه ی جنگهای فرسایشی!؟

تاریخ ارسال به «**اصالت**»:

Wed Nov 20 2013 16:59:40



درینجا میخوانید:

- آقای سپنٹا در پارلمان راست گفته است، یا دروغ؟

- تروریزم و جنگ با تروریزم.

- اهداف جیوپولیتیک، آجندای ناتو، وابستگی های افغانستان به ناتو

- اشغال - کاپیتالیسیون و یا طالب (لشکر برونمرزی آی اس آی)

- تداوم جنگ های فرسایشی

قرار گزارش رسانه های اینترنتی، اخیرا دوکتور اسپنٹا کارمند بلند رتبه اداره ی مستعمراتی و دست نشانده در کابل، روی مسئله معاهده امنیتی بین امریکا و افغانستان به مجلس نمایندگان احضار و پیرامون قرارداد امنیتی افغانستان – امریکا توضیحات داده منجمله گفته اند که **امضای این قرارداد به نفع افغانستان است**. در این خصوص میخوام توجه شما را به دو مطلب جلب نمایم:

**اول** آنکه این نوع احضارات و توضیحات مصلحتی و سناریوی تنظیم شده است که غرض فریب افکار عامه مردم افغانستان به راه انداخته میشود.

**دوم** آنکه آیا اعضای مجلس نمایندگان از چه میدانند که آقای سپنتا راست میگوید یا دروغ؛ زیرا آنها در اثنای توضیحات جناب سپنتا کدام کاپی ای از قرارداد را با خود نداشته و از محتویات آن کاملاً بیخبر اند.

شواهد زیادی موجود است که سپنتا دروغ بگوید و به چشم مردم خاک بزند، چه از یک طرف او خود از پیچ و مهره های اداره مستعمراتی کابل بوده در قرارداد دست دارد و در طول دوازده سال برای اجرای این وظیفه معاش گرفته و آمرینش میخوانند از او استحصال وظیفه نمایند، هیچ کس نمیگوید که دوغ من ترش است او "نوکر خان است نه نوکر بادنجان".

از جانب دیگر همه آمرین سپنتا سردم داران شبکه استعماری - امپریالستی جهانی از او باما گرفته تا کامرون و مرکل و مهره گک ایشان (کرزی) در طول این دوازده سال با گفته های ضد و نقیض خویش و با شکستن وعده های شان در دروغ و فریب مردم شهرت جهانی داشته اند.

مدت هاست در نشرات مشاهده مینماییم که نویسندگان و مبصرین سیاسی ما همه در مورد معافیت قضایی قوای مستعمراتی قلم فرسایی میکنند. ولی چیز عمده و اساسی ای که از ساحه دید شان گویا بدور مانده است مسئله حضور نظامی سربازان خارجی و پایگاه های نظامی و استخباراتی شان میباشد که موضوع معافیت قضایی منحصراً معلول ناشی از آنست. اگر ما حضور نظامی خارجی را نپذیریم مسئله معافیت قضایی خود به خود از بین میرود.

در اینجا سوال پیدا میشود که چرا امریکا خود را در آب و آتش زده و به هر قیمت ممکن می خواهد در افغانستان پایگاه نظامی داشته باشد و افغانستان چه مجبوریت دارد که به این عمل ننگین گردن نهد؟ در این ارتباط چند موضوع به خاطر می آید:

### **تروریزم و جنگ با تروریزم:**

اکنون دوازده سال بعد از سقوط برج های نیویارک (اکثریت محققین آنرا عملکرد داخلی ها میدانند) رفاقت دستگاه حاکمه امریکا با القاعده و دیگر تروریستان در لیبی و سوریه، احیای هیولای مجازی گروهکی به نام طالبان در افغانستان، قتل عام مردم بیگناه ذریعه طیارات بی پیلوت جهانیان را متیقن ساخته است که جنگ با تروریزم یک دروغ بزرگ بوده و دستگاه حاکمه امریکا خود عامل تروریزم و یک دستگاه تروریستی است.

### **اهداف جیوپالتیک :**

در اینجا هدف، احاطه چین و روسیه، کنترل منابع طبیعی و راه های تجاری آسیای میانه است، و باز هم چرا افغانستان؟

تبدیل افغانستان به تخته خیز به جانب جمهوریت های آسیای میانه، چین و روسیه از طریق ایجاد کمپ های تربیه تروریستان در افغانستان و اعزام شان به ممالک فوق الذکر؛ نصب دستگاه های ضد راکت در افغانستان. نصب دستگاه های استخباراتی در افغانستان با توانمندی تعقیب تمام حرکات نظامی و تجاری دول رقیب در منطقه.

چه فکر میکنید؟ در چنین شرایط همسایه ها در منطقه همه آرام خواهند نشست؟ اگر این مداخلات شکل دائمی به خود گیرد یقین دارم که آنها شاخ خواهند کشید. امروز روسیه نسبت جلوگیری از بایکوت المپاد زمستانی سوچی توسط امریکا و شرکایش سیاست خارجی معتدل با تحمل و انعطاف پذیری را پیش میبرد. فکر میکنم بعد از المپاد ما شاهد تغییراتی در سیاست خارجی روسیه خواهیم بود.

بنابراین امضای قرارداد استراتژیک با امریکا تراژیدی و سیاه روزی بزرگی را برای افغانستان در قبال خواهد داشت. پس چرا ما به دست خود امضا نمائیم و حاضر شویم که وطن ما ساحه جنگ و رقابت ابر قدرت ها گردد. جناب کرزی خود آگاه و ناخود آگاه چیزهای زیادی را افشاء کرد. قتل های زنجیره ای نشان داد که او و اراکینش از جان خود و فامیل شان ترس دارند اکنون بر مردم است تا ابتکار عمل را در دست گیرند

### و اما راجع به ناتو و وابستگی افغانستان به ناتو:

قراریکه میدانید ناتو به اصطلاح غرض دفاع از اروپای غربی ایجاد شد عمدتاً در مقابل نیروی های که در پیمان وارسا مشخص میشدند اما اکنون نه تنها علت وجودی خود را منتفی شده نمیداند بلکه تلاش دارد تا جهانی شود.

غیر از ممالک عضو تعداد زیادی از ممالک ذریعه قرارداد های مختلف با ناتو توامیت دارند حتی اگر چین و روسیه و دیگر ممالک "براکس" بخواهند عضو ناتو شوند به کمال خوشی پذیرفته میشوند. در اینجا سوال پیدا میشود که اگر همه ممالک جهان وابسته به ناتو شوند و ناتو دفاع و امنیت شان را تضمین کند ناتو از طرف کی در مقابل کی میجنگد و از کی در مقابل کی دفاع مینماید؟

شاید مردمان دگر از سیاره دگر قصد حمله بر زمین دارند و ناتو جهان را آماده دفاع میسازد. ما شاهد دو واقعه در جهان بودیم که نشان میدهد که ادعای دفاع توسط ناتو کاملاً دروغ بی اساس و

خود فریبی است اول آنکه ناتو گرجستان را تشویق کرد تا بالای اسیتای جنوبی حمله کند وقتی روسیه به خاطر دفاع از اتباع خود در اسیتای جنوبی نیروهای آموزش دیده ی گرجستان را با تجهیزات و تسلیحات مدرن ناتویی اش تار و مار کرد، از سنگ دم برآمد از ناتو نه. در مسئله دیگر؛ نیروهای پاکستانی ولایت کنر را مکرر و متواتر مورد حمله راکتی قرار داده و خاک افغانستان را اشغال کرد. ولی فرماندهان ناتو در افغانستان خم به ابرو ظاهر نکردند چه رسد به دفاع از افغانستان.

این وقایع نمایانگر آنست که عهد و پیمان ناتویی ها هیچ نوع اعتباری عملی ندارد. آنها به هیچ پیمانی پایبند نیستند. این وقایع جواب دندان شک نیست به آن عده مهره های که به نرخ روز پول میگیرند، نوشته میکنند و میگویند که اگر امریکا برود افغانستان تنها میماند.

با تعجب که حتی آغای علومی هم از تاخیر امضای قرارداد استراتژی رنج میبرد و آخرین وصایای جاوید نام ببرک کارمل را فراموش کرده است. این آقایون نمیدانند که در طول قرن ها این مردم افغانستان بودند که به تنهایی از وطن خود دفاع کردند و با افتخار زیستند. این تنها و تنها وظیفه ما مردم افغانستان است که شرافتمندانه و جان بازانه از افغانستان و استقلال آن دفاع نمائیم و "پیر خود را گوروان نگیریم". البته استقلال و آزادی قیمتی دارد که باید به آن بپردازیم.

از مسایل بالا چنین بر می آید که مسئله دفاع توسط ناتو کاملا خود را فریب دادن است و ناتو مطلقن اجندای دیگر دارد که ذیلا به آن پرداخته میشود.

قبل از همه باید خاطر نشان ساخت که مافیای سلاح، نفت و گاز و تریاک، صاحبان بانک های مرکزی ممالک حلقه امریکا در راس بانک مرکزی امریکا (که با استفاده از کلمه فدرال ریزرف خاک به چشم امریکا زده است و در حقیقت یک بانک شخصی است که انحصار حق نشر دالر امریکایی را دارد. هر زمانیکه دولت امریکا به پول ضرورت داشته باشد این بانک یعنی فدرال ریزرو دالر نشر میکند و به دولت قرض میدهد. در مقابل دولت امریکا مکلف است که نه تنها اصل قرضه را بپردازد بلکه علاوه بر مفاد بانکی از نشر هر دالر به فدرال ریزرو کمیشن بدهد. شاید خواننده تعجب نماید که این چه بنده های قریب خالق اند که ماشین دالر دارند) به سرنوشت و مقدرات جهان چنگ زده اند همه امور زندگی را به بزنس تبدیل کرده و ناتو هم یکی از بزنس های شان است. آنها به این عقیده اند که هر کی کنترل تکنولوژی، انرژی، کمونیکیشن یا مخابرات، مدیا و اطلاعات را در اختیار دارد جهان را میتواند کنترل، تسخیر و در اختیار داشته باشد. از اینجا میتوان فهمید که چرا به بهانه بم اتمی میخواهند مانع دسترسی ایران به تکنولوژی و انرژی هستی گردند.

### مشخص در مورد اجندای ناتو:

- تغییر رژیم ها و سرنگونی دولت ها و رهبران شان که به خواسته های امریکا گردن نمی نهند البته به بهانه های مختلف مانند برپا داشتن دموکراسی، حقوق بشر و غیره که دیگر واقعیت آن برملا شده و کمتر بازار و خریدار داوطلب خواهد داشت. ثبوت این گفته ها سناریوهای اشغال گری چون افغانستان، عراق، سقوط دادن قذافی و جنگ نیابتی توسط بنیادگر ترین اسلامیت های کشور های اسلامی به شمول القاعده در همکاری با شیوخ حلقه به گوش شرق میانه ای در سوریه میباشد.

امروز دموکراسی ناب، آن مدینه فاضله ای را که در کتابها خوانده اید در هیچ یک کشوری نمیتوان مشاهده کرد مخصوصا که قدرت در امریکا با انفاذ قانون پاتریوت، و خلاصه شدن در وجود دو حزب دموکرات و جمهوریخواه که دو روی یک سکه اند، تجهیز پلیس با وسایل فوق حساس و سلاح ثقیل، استفاده از طیارات بدون پیلوت جهت ترور اتباع امریکا، ثبت مکالمات تلفونی و ایمیل های مردم کاملا به یک دولت پلیسی و دیکتاتوری امپریالستی گروه یک فیصد تبدیل شده است.

- طوریکه گفته آمدیم، ناتو یکی از بزنس های گروه مافیایی اقلیت یک فیصد است که هدف دیگر آن فراهم ساختن جریان متواتر پول به گاوصندوق های انحصارات غربیست از طریق فروش اسلحه، مهمات، تجهیزات از حساب تکس دهنده گان اروپایی، امریکایی و ممالک به اصطلاح تحت حمایه. ایجاد کار و معاش به کارمندان و مربیان ناتو و عاید برای کمپانی های قراردادی و شخصی امنیتی که گروه یک فیصد در آنها سهم دارند. عاید از طریق حق العضویت ممالک عضو.

- خطرناکترین اجندای ناتو و منجمله اشغال که رهبران و اعضای احزاب چپی، چپگرا، ملی، مردمی و نیروهای مترقی، دموکرات و میهنی و پاتریاتیک افغانستان باید متوجه آن باشند مسایل ذیل اند:

- تغییر نیروهای مسلح ممالک وابسته به ناتو به یک نیروی اجبر و مزد بگیر که بدون داشتن روحیه ملی و مردمی باید به خاطر پول بجنگند و تابع اوامر کار فرمایان خود باشد که از آنها مزد میگیرند.

این است یکی از علل فرار سربازان به اصطلاح اردوی ملی که اشخاص فاقد انگیزه رزمی چندی مهمان اردو بوده اعاشه و اباته میشوند و معاش میگیرند و هر وقت دلشان خواست اردو را ترک میکنند.

- شستشوی مغزی و تربیه افراد اردو های وابسته به ناتو به روحیه ضد ملی، ضد مردمی و تبدیل شان به یک ماشین کشتار انسان جهت منافع امپریالستی و حکومت دست نشانده و مستعمرات. جلوگیری از تشکل، رشد و نموی موسسات و رهبران سیاسی چپی، ملی، مردمی، دموکرات و وطن خواه یا پاتریاتیک و جلوگیری از فعالیت مثبت شان به نفع مردم و وطن با وسایلی از قبیل تطمیع، تهدید و بالاخره حذف فیزیکی شان توسط پلیس و گماشتگان اجیر.

هیچ چیزی تغییر نکرده است. همان آشنای قدیم استعمار انگلیس و امپریالیزم جهانی هنوز حاکم است. آیا به خاطر دارید که نادر خان چقدر وطن خواهان را به استشاره انگلیس کشت؟ طوریکه میگویند برای ممالک استعماری دوستان و دشمنان دایمی وجود نداشته بلکه منافع دایمی وجود دارد اما برای ما اینطور نیست ما هیچ منافع دایمی نداریم همه آنرا پایمال میکنند تنها دشمن قسم خورده دایمی داریم این ها همان ها هستند که سابق آمدند ویران کردند و کشتند و امروز هم وطن ما را اشغال، قریه های ما را ویران و مردم ما را میکشند و ما با ایشان قرارداد امضا میکنیم که زیادتز بکشند یعنی به گرگ میگوئیم که "بیا قرض بابیته بگیر"؛ که این منتهای پستی، ذلت و وطن فروشی است.

#### از بعضی از نوشته ها در اینترنت بر می آید که:

در این مقطع تاریخی که امریکا به بلکه میل (باج خواهی) مردم افغانستان مبادرت میورزد که یا اشغال را بپذیرید یا طالب را دوباره حاکم میسازم بعضی از سیاست مداران و چیزفهمان ما طرف ذلت اشغال را گرفته، دانسته و نا دانسته با نوشته های خود آب به آسیاب اشغال می اندازند. آنها فکر میکنند که با حضور نظامی امریکا و ناتو در افغانستان موسسات مدنی؛ سازمانهای ملی و مردمی رشد میکند و جنابان در یک انتخابات دموکراتیک به عضویت شورای ملی میرسند یا ریس جمهور می شوند و یا اینکه معجزه امریکای لاتین در افغانستان اتفاق می افتد (که در یک حرکت دموکراتیک چهار رهبر ملی و وطن خواه یعنی هوگو چاوز، ایوو مرسال، رافایل کورنا و دانیل اورتیگا در ونزوئلا، بولویا، اکوادور هندوراس و نیکاراگوا به قدرت میرسند و بانک جهانی، صندوق پولی بین المللی و هیولا های نفتی غربی را از وطن خود بیرون می اندازند) اینها خیلی اشتباه میکنند بر عکس به اساس تیوری تضاد امریکا با حضور نظامی خود در افغانستان ریشه هرآنچه را که دموکراتیک، ملی و وطن خواه است از بیخ و بن میکشد، در انتخابات همیشه مداخله و دست اندازی میکند و تنها به دو یا سه حزب طرفدار سرمایه بزرگ اجازه خواهد داد که در افغانستان فعالیت نماید و گزینه دیگر اداره افغانستان ذریعه دیکتاتوری خواهد بود. گواه این مطلب وضع احزاب در اروپا است که حتی حزب سوسیالیست فرانسه در خدمت امپریالیزم است و به ناله مردم هیچکس توجه ندارد.

بدین اساس ترجیح می‌دهم که اشغال را طرد و به نوای علمای دینی افغانستان و جریان های مصلح ضد دولت توجه نمود.

در صورت طرد آخرین سرباز خارجی شرط عمده و اساسی مخالفین مسلح بجا شده ما دو باره وطن، آزادی و استقلال خود را بدست می آوریم.

طالب قدرتی نیست که به تنهایی بتواند مملکت را اداره کند از طرف دیگر نیروی زیاد دفاعی که بالایش میتوان حساب نمود در وطن موجود است نیروهای همه ملیت های با هم برادر افغانستان منجمله پشتون های نیک اندیش مشت کوبنده ای بر ضد طالب اند.

طالب این موضوع را درک میکند. گذشت زمان انسانها را تغییر میدهد شاید اکثر آنها بالاخره خود را از مزدوری پاکستان، عربستان سعودی و امریکا بکشند احتمال زیاد موجود است که بعد از خروج آخرین سرباز خارجی همه جوانب به مذاکره روی بیاورند و با وجود تخریبات نیروهای سری امریکا صلح برقرار شود.

در نشرات اینترنتی مطالبی به نظر میرسد که میگویند با خروج امریکا افغانستان تنها میماند. باید گفت که افغانستان تنها نمی ماند، آنهایی که به کمک خارجی ها بر شانه مردم سوار اند سقوط کرده تنها میمانند. اخراج قوای اجنبی و اعاده استقلال و آزادی افغانستان به معنی قطع روابط سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی با امریکا نیست.

افغانستان به یک دولت و رهبران ملی و مردمی ضرورت دارد تا حیثیت افغانستان را به مثابه یک کشور آزاد بیطرف و عدم انسلاک اعاده نماید چه پیمان استراتژی با امریکا آزادی و بی طرفی افغانستان را از بین میبرد.

در خبر دیگر میخوانیم که ناتو بعد از سال 2014 سالانه مبلغ چهار میلیارد دالر به نیرو های افغان کمک مینماید به این ارتباط بعضی از نویسنده گان به تشویش اند که اگر قوای امریکا و ناتو اخراج شوند این پول ها از دست میرود. من تعجب مینمایم که چطور این آقایون آزادی و استقلال افغانستان را به مقابل پول به معامله میگذارند. در مورد تادیه های پولی خارجی به اصطلاح کمک ها مسایل آتی باید مد نظر باشد :

- کمک پولی بلا عوض و رایگان

- قرضه ها و کردیت ها که معمولا خبر آن تحت عنوان کمک پولی نشر میشود که خواننده نمیداند که آیا این قرض حسنه است یا بمقابل اخذ بهره پرداخته میشود و فیصدی بهره آن چند است.

معمولا در خبر جزئیات نشر نمیشود از اینرو فهمیده نمیشود که چهار میلیارد دالر چه نوع کمک است؟ با آنهم از دو حالت خالی نیست .

معلوم دار این قرضه از خزانه ناتو نمی آید بلکه از طرف ناتو توسط بانک جهانی و یا کدام موسسه پولی دیگر پرداخته میشود که توام با چارچ بهره بوده با گذشت زمان مقدار فایده آن بیشتر از اصل قرضه بلند تر خواهد رفت و افغانستان را بیشتر وابسته خواهد ساخت. از طرف دیگر بخشی از این پولها به شکل نقد به خزانه دولت افغانستان خواهد آمد تا افغانستان طبق دلخواه رفع ضرورت کند بلکه به شکل کامپیوتری و غیر قابل لمس به افغانستان آمده دوباره جهت خریداری اشیای توصیه شده ناتو (مالی به ارزش یک دالر به صد دالر) به کمپانی های مربوط انتقال خواهد کرد.

زیرا چهار میلیارد دالر جهت اعاشه و اباته و معاش یک اردوی سه صد هزار نفری خیلی پول است . البته نسبت عدم دسترسی به جزئیات مسئله این محاسبات تخمینی میباشد.

یک امکان دیگر را نیز نباید از نظر دور داشت و آن این است که طبق قانون بین المللی دولت استعماری و دولت فاتح مکلف به ایجاد امنیت، معاش و عمران و خدمات عامه مستعمره خود میباشد از اینرو ممکن این چهار میلیارد دالر مکلفیت امریکا و رایگان باشد. به این ارتباط شواهد زیاد موجود است که شاید در کنفرانس بن و یا بعد از آن رهبران دست نشانده افغانستان در معاملات پشت پرده سند کپیتهلاسینون یا تسلیمی بلا قید و شرط را امضا و افغانستان را مستعمره امریکا ساخته باشند و علت آنکه متصدیان امور در این دوازده سال عاطل باطل نشسته پول جمع کردند نیز همین است ورنه من یقین دارم که در همه وزارت های افغانستان اشخاص تعلیم یافته موجود اند که میتوانند در این مدت مصدر کار های مفید شوند.

بطور مثال وزیر دفاع که اقلاً تجربه بیست سال نظامی، سیاسی و ترتیب و تنظیم امور را دارد میداند که اردو به چه ضرورت دارد و چطور باید انکشاف نماید و یا وزیر زراعت میداند که افغانستان به کانال های آبیاری و فارمهای مکانیزه شده زراعتی ضرورت دارد و یا وزیر انرژی برق میداند که افغانستان دریاها و خروشان دارد ایجاد بند های برق آبی افغانستان را از نظر انرژی خود کفا میسازد . از این وضع واضح میگردد که دست های این اشخاص از پشت بسته بوده و صلاحیت جای دیگر است .

دو خبر دیگر که مطلب فوق را ثابت مینماید نقض قرارداد خرید هلیکوپترها برای افغانستان توسط پنتاگون و رد تقاضای کرزی در مورد خرید اسلحه از هندوستان است. هند متوجه شد که طرف معامله پنتاگون است نه کرزی؛ بناً هند نه خواست تا مورد غضب امریکا قرار گیرد.

از طرف دیگر اگر اختیار افغانستان به دست امریکا نمی بود در این دوازده سال ما شاهد سیلی از کردیت ها، کمکهای نظامی، پولی و سرمایه گذاری توسط ممالک برکس (برازیل، روسیه، چین، هند و افریقای جنوبی) و سازمان شانگهای می بودیم که متاسفانه اینهمه امکانات به هدر رفت.



در نتیجه به بانگ رسا باید قرارداد کنونی نابرابر و تحمیلی تحت «شمشیر داموکلس» استراتیژی امریکا – افغانستان و پیمان های تبعی استعماری و اسارت بار را رد نموده و به استعمار بلا تفاوت آن با دیگر استعمار ها؛ خاتمه داد.

فقط قرار داد ها و پیمان ها زمانی معقولیت و سودمندی متقابل دارند که کشور ها و دولت ها با استقلال و اقتدار حقیقی و حقوقی مساوی وارد آنها شوند که بحث در مورد از حدود این مختصر بیرون میباشد.